

Original Article

The philosophical fundamentals right to be forgotten from Bioethics view

Mahmoud Abbasi¹, Nabiollah Gholami^{2*}, Sahar Soheilmoghadam³

1. Associate Professor, Medical Ethics and Law Research Center, Shahid Beheshti University of Medical Sciences and Health Services, Tehran, Iran.
2. PhD Candidate, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran. (Corresponding Author) Email: Nabiollah.Gholami@yahoo.com
3. Ma in criminal law and criminology, Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabaei University, Tehran, Iran.

Received: 2 Oct 2016 Accepted: 27 Feb 2017

Abstract

There are three approaches regarding the right's ethical fundamentals on forgotten including result-based, possession based and ontological approaches. The result-based approach is based on the effects resulting from information distribution of every person and their privacy violation. Possession based approach assuming one's information as part of their properties, considers person's right on not distributing information related to them as one of their possession requirements. The ontological approach presuming human nature as a whole, emphasis on the fact that the nature of every human is consisted of a set of physical and nonphysical factors such as information related to them and the distribution of information of the person is really their personal identity violation. In this article, with investigation of these approaches, their strangeness and weakness is studied.

Keywords: Right to be Forgotten; Possession; Privacy; Information

Please cite this article as: Abbasi M, Gholami N, Soheilmoghadam S. The philosophical fundamentals right to be forgotten from Bioethics view. *Iran J Bioethics* 2017; 7(23): 7-15.

مبانی فلسفی حق بر فراموش شدن از منظر اخلاق زیستی

محمود عباسی^۱، نبی‌اله غلامی^{۲*}، سحر سهیل مقدم^۳

۱. دانشیار، مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، تهران، ایران.

۲. دانشجوی دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول) Email: Nabiollah.Gholami@yahoo.com

۳. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

دریافت: ۱۳۹۵/۷/۱۱ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۲/۹

چکیده

در خصوص مبانی اخلاقی حق بر فراموش شدن سه رویکرد عمده ذکر شده است که به ترتیب عبارتند از رویکرد نتیجه‌گرا، رویکرد مبتنی بر مالکیت و رویکرد هستی‌شناسانه. رویکرد نتیجه‌گرا، مبتنی بر آثاری است که انتشار اطلاعات هر شخص و نقض حریم خصوصی او می‌تواند به همراه داشته باشد. رویکرد مبتنی بر مالکیت با مفروض دانستن اطلاعات هر شخص به عنوان جزئی از مایملک او، حق شخص بر عدم انتشار اطلاعات مرتبط با خود را به عنوان یکی از ملزومات مالکیت او به شمار می‌آورد. رویکرد هستی‌شناسانه نیز با تلقی ماهیت انسان به عنوان یک کل، بر این نکته تأکید می‌کند که ماهیت هر شخص متشکل از مجموعه‌ای از عوامل مادی و غیر مادی از جمله اطلاعات مربوط به اوست. از این رو انتشار اطلاعات مربوط به شخص، در حقیقت تجاوز نسبت به هویت شخصی او به شمار می‌آید. در این مقاله، با بررسی هر یک از این سه رویکرد، نقاط ضعف و قوت آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته شده است.

واژگان کلیدی: حق بر فراموش شدن؛ مالکیت؛ حریم خصوصی؛ اطلاعات

مقدمه

پیشرفت تکنولوژی و ورود بشر به دنیای مجازی، همراه با الزامات و تبعات خاص این موضوع، منجر به ایجاد و تدوین قواعد و قوانینی در فضای مجازی شده است که از آن‌ها می‌توان به قوانین (حقوق) سایبری (Cyber Law) تعبیر کرد. این حقوق همانند حقوقی که در فضای حقیقی تعریف شده‌اند دارای جنبه‌های مختلف سلبی و ایجابی بوده و نیز همانند این حقوق نیازمند توجیه و تبیین هستند. یکی از این حقوق که به طور خاص مولود فضای سایبر - و به ویژه موتورهای جستجوگر - است حقی است که در اصطلاح حقوقی به حق بر فراموش شدن (Right to be Forgotten) معروف شده است و از سال ۲۰۱۴ و با اصلاحات صورت گرفته در «دستورالعمل حمایت از اطلاعات در اروپا (DPD)» مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس این قانون، این حق به اشخاص داده می‌شود تا بر طبق شرایطی - از جمله نادرست یا زننده (مستهجن) بودن اطلاعات مرتبط با آن‌ها در فضای سایبر - از موتورهای جستجوگر بخواهند تا لینک مرتبط به صفحات آن‌ها را حذف کنند (۱). با تصویب این قانون و پذیرش حق بر فراموش شدن برای اشخاص، بحث‌های بسیاری بین مخالفان و موافقان آن شکل گرفت، موافقان از الزامات اخلاقی، جرم‌شناختی، روانشناختی و حقوق بشری برای دفاع از این حق استفاده می‌کردند و در مقابل مخالفان نیز با توسل به استدلال‌هایی نظیر لزوم تشهیر مجرمان برای حفظ اهداف بازدارندگی مجازات‌ها، بیم استفاده ابزاری صاحبان قدرت از این حق و مواردی از این دست، نگرانی خود را از شناسایی این حق ابراز کرده‌اند.

اخلاق زیستی (Bioethics) به عنوان بخشی از اخلاق کاربردی (Applied Ethics)، رشته‌ای است که به دنبال یافتن پاسخ‌هایی برای سؤالات اخلاقی با رویکردی فلسفی است که در سالیان اخیر مورد توجه قرار گرفته است، با توجه به این‌که حق بر فراموش شدن در بسیاری موارد دارای تبعات اخلاقی - مخصوصاً در موارد انتشار تصاویر شخصی افراد - است، مبانی اخلاقی و به خصوص اخلاق زیستی یکی از رویکردهایی است که در پرتو موازین آن، می‌توان حق بر

فراموش شدن را توجیه کرد. این امر به خصوص با توجه به چالش‌های اخلاقی که انتشار اطلاعات افراد در فضای سایبر می‌تواند به دنبال داشته باشد، قابل توجه است. از این رو در این نوشتار، به دنبال بیان و بررسی مبانی فلسفی حق بر فراموش شدن از منظر اخلاق زیستی هستیم، بدین خاطر نخست به بیان حق بر فراموش شدن پرداخته و در ادامه با بیان رویکردهای موجود در خصوص این حق از منظر اخلاق زیستی، به نقد و بررسی آن‌ها پرداخته می‌شود.

مفهوم‌شناسی حق بر فراموش شدن

به رغم نوظهور بودن اصطلاح حق بر فراموش شدن، تعاریف متعددی از این مفهوم ارائه شده است، برخی این حق را حق کنترل و پاک کردن اطلاعاتی دانسته‌اند که کاربران فضای مجازی در محیط اینترنت از خود بر جا گذاشته‌اند (۲). عده‌ای نیز این حق را، حق فرد برای در امان ماندن از استفاده از اطلاعات مربوط به او می‌دانند که می‌تواند آثار نامطلوبی به دنبال داشته باشد (۳). حق اشخاص نسبت به درخواست حذف اطلاعات مرتبط با آن‌ها در مواردی است که آن اطلاعات دیگر برای مقصودی که بدان خاطر جمع‌آوری شده‌اند، لازم نباشد (۴). دو تعریف زیر نیز دیگر تعاریف ارائه شده از این حق هستند: حق اشخاص برای مداخله در اطلاعات مرتبط با خود است که توسط کنترل‌کنندگان داده‌ها در فضای سایبر ذخیره شده‌اند (۵). حق اشخاص برای حذف اطلاعات مربوط به آن‌ها در فضای سایبر، به منظور عدم شناسایی و ردیابی آن‌ها توسط اشخاص ثالث (۶). با دقت در این تعاریف، می‌توان آن‌ها را ذیل دو دسته کلی زیر طبقه‌بندی کرد: ۱- حق بر فراموش شدن بدین معناست که اطلاعات جمع‌آوری شده در خصوص یک شخص، نباید در هدفی غیر از هدف اولیه‌ای که آن اطلاعات بدان خاطر جمع‌آوری شده‌اند، به کار رود. از این رو در صورت عدم نیاز به این اطلاعات در راستای آن هدف خاص، اطلاعات جمع‌آوری شده باید از بین بروند. حق بر فراموش شدن در این مفهوم نخستین بار در ماده ۲۸ قانون «فناوری اطلاعات و آزادی‌های مدنی» ۱۹۷۳ فرانسه ذکر شده است (۷)، بر طبق این ماده، ذخیره کردن اطلاعات اشخاص ورای مدتی که در

است - و نیز لزوم تفسیر محدود قوانین کیفری و عدم توسل به قیاس در تفسیر قوانین، منطقی‌تر آن است که قائل به عدم شمول حق بر فراموش شدن در حوزه ارتباطات مخابراتی باشیم.

مبانی حق بر فراموش شدن

فارغ از تفاوت‌هایی که بین تعاریف ارائه شده در خصوص حق بر فراموش شدن وجود دارد، این نکته بین آن‌ها مشترک است که به هر حال، موضوع این حق، نوع رابطه شخص با اطلاعات مرتبط با اوست و توجیه همین رابطه است که موضوع مباحث گسترده‌ای شده است. مبانی حق بر فراموش شدن را می‌توان هم از منظر آموزه‌های جرم‌شناختی و هم از منظر آموزه‌های روانشناختی مورد توجه قرار داد. از نظر آموزه‌های جرم‌شناختی، حق بر فراموش شدن را می‌توان با توجه به نظریات برچسب‌زنی (Labelling Theory) و نیز بازپروری مجرمان (و غیر مجرمان) توجیه کرد. نظریه برچسب‌زنی بر این عقیده است که وقتی فردی از سوی دیگران در قالب خاصی توصیف شود، در نتیجه فشار اجتماعی به تغییر ادراک از خویش و رفتار خود دست خواهد زد تا با این تعریف هماهنگ گردد (۹)، در نتیجه شخصی که به صورت مداوم در فضای حقیقی یا مجازی در معرض برچسب خاصی است - مثلاً سارق، جانی و... - احتمال این‌که برای هماهنگ شدن با آن برچسب خاص، دست به ارتکاب رفتار متناسب با آن - مثلاً سرقت یا قتل - بزند افزایش می‌یابد.

از منظر آموزه‌های روانشناختی نیز با توجه به تأثیرات سرزنش‌کردن (Scolding) مداوم شخص بر عملکرد ذهنی و روانی او، می‌توان شناسایی این حق را مورد توجه قرار داد. با توجه به این‌که در این نوشتار، تمرکز بر مبانی این حق از منظر اخلاق زیستی است، در ادامه به بررسی سه رویکردی پرداخته می‌شود که در پرتو آن‌ها می‌توان حق بر فراموش شدن را از منظر آموزه‌های اخلاقی توجیه کرد.

رویکرد نتیجه‌گرا

رویکرد نتیجه‌گرا، مبتنی بر آثار و نتایجی است که انتشار اطلاعات مربوط به یک شخص در فضای سایبر ممکن است به

قانون مشخص شده است، ممکن نیست، هرچند در این ماده صراحتاً ذکری از اصطلاح حق بر فراموش شدن نشده است، با این حال برخی این ماده را دلیلی بر شناسایی این حق دانسته‌اند (۸). نظیر این ماده را می‌توان در قوانین جزایی ایران نیز یافت. مواد ۶۶۷ تا ۶۶۹ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ (با الحاقات و اصلاحات آن)، ارائه‌دهندگان خدمات دسترسی و ارائه‌دهندگان خدمات میزبانی را موظف به نگهداری اطلاعات مربوط به کاربران تا بازه زمانی خاصی (حداکثر تا شش ماه و در برخی موارد حداکثر تا ۱۵ روز) کرده است. مفهوم مخالف این مواد، دلالت بر لزوم حذف این اطلاعات بعد از انقضای بازه‌های زمانی تعیین شده دارد؛ ۲- یک موتور جستجوگر باید موظف باشد که در شرایط خاص لینک‌های مرتبط با اسم یک شخص را از نتایج جستجوی خود حذف کند، حتی اگر اطلاعات ذکر شده در صفحه آن لینک حقیقت داشته باشند (۷). تعریف اخیر که بیشتر از تعریف نخست مورد توجه قرار گرفته است، بدین معناست که اشخاص حق دارند در خصوص اطلاعات مرتبط با خود را که در فضای سایبر وجود دارد از موتورهای جستجوگر درخواست حذف آن‌ها را نمایند. در واقع حق بر فراموش شدن منطبق با همین تعریف است که امروز محل بحث قرار گرفته شده است. بر این اساس اشخاص با درخواست کردن از موتورهای جستجوگر در فضای سایبر - نظر گوگل، یاهو و... - خواهان حذف اطلاعات مرتبط با خود می‌شوند. به هر ترتیب و به رغم همه بحث‌های صورت گرفته در خصوص شناسایی یا عدم شناسایی این حق، امروز حق بر فراموش شدن به عنوان جدیدترین حق در فضای سایبر مورد پذیرش قرار گرفته شده است.

بحثی که می‌توان ذیل عنوان حق بر فراموش شدن مورد توجه قرار داد، امکان اعمال این حق در بستر تبادلات مخابراتی است. بدین معنا آیا با استناد به حق بر فراموش شدن می‌توان امکان حذف ارتباطات مخابراتی نظیر پیامک‌ها و تماس‌های ضبط شده را فراهم کرد؟ هرچند با توجه به شباهت‌های موجود بین محیط سایبر و محیط ارتباطات مخابراتی، شاید بتوان به این پرسش جواب مثبت داد، ولی به نظر می‌رسد با توجه به زمینه شکل‌گیری این حق - که در فضای سایبر بوده

سالیان پیش ضبط شده‌اند، ولی امروزه با گسترش فضای مجازی به وفور در دسترس کاربران قرار داده می‌شوند. این مسأله باعث می‌شود که نتوان به طور قطع و با اطمینان از آسیب‌زایی یا نبودن اطلاعات خاصی در فضای سایبر سخن گفت، چه این که موضوعی که اکنون چندان مهم جلوه نمی‌کند، ممکن است در آینده بسیار مورد توجه قرار گیرد.

علاوه بر این، در خصوص ملاک و معیار آسیب وارده، باید به فرهنگ شخصی که اطلاعات منتشر شده درباره اوست توجه کرد. به عنوان مثال، در برخی فرهنگ‌ها و کشورها، استفاده از تصاویر برهنه و نیمه‌برهنه اشخاص به عنوان بازیگران فیلم‌های جنسی (Sex-Star/Porn-Star)، از جمله منابع درآمد شرکت‌ها و مؤسسات خصوصی است، در حالی که در برخی کشورها با رویکردی مذهبی، هرزه‌نگاری (Pornography) و نیز انتشار تصاویر خصوصی اشخاص (توسط خود آن‌ها یا اشخاص دیگر) جرم‌انگاری شده است. بنابراین در خصوص آسیب‌های وارده در خصوص انتشار اطلاعات اشخاص در فضای سایبر باید بسته به نوع فرهنگ‌ها، قومیت‌ها، ادیان و اخلاقیات قائل به تفکیک شد، البته ذکر این نکته در خصوص جنبه تجاری و اقتصادی هرزه‌نگاری ضروری است که در کشورهایی که این فعالیت به عنوان صنعت پذیرفته شده است، قانونگذار بسته به فرهنگ خود ضوابط و مقررات خاص و سختگیرانه‌ای وضع کرده است. به عنوان مثال، در کشور آلمان، با تصویب قانون جدید جرایم جنسی، هر گونه استفاده از تصاویر برهنه کودکان برای استفاده تجاری ممنوع و منتشرکنندگان این تصاویر به حبس تا ۵ سال محکوم می‌شوند.

رویکرد مبتنی بر مالکیت

در رویکرد مبتنی بر مالکیت، این استدلال بیان شده است که اطلاعات اشخاص، مانند اموال او، جزئی از مایملک او محسوب می‌شوند. از این رو شخص نسبت به آن‌ها دارای مالکیت است و چون براساس قاعده‌ای کلی، هر شخصی نسبت به مایملک خود حق هر گونه تصرف و انتفاع را دارد. بنابراین اشخاص در خصوص اطلاعات مرتبط با خود، حق دارند حذف آن‌ها را درخواست نمایند (۱۲). منتقدان این دیدگاه، در رد

دنبال داشته باشد. بر اساس این رویکرد، افراد دارای حق بر فراموش شدن هستند بدین خاطر که انتشار اطلاعات مربوط به آن‌ها، آسیب‌ها و مضراتی را برای آن‌ها به همراه دارد (۷). در مقام نقد این رویکرد می‌توان سؤالات زیر را مطرح کرد: منظور از آسیب‌ها و مخاطرات چیست؟ آیا این آسیب‌ها شامل آسیب‌های بالفعل است یا اعم از آسیب‌های بالقوه و بالفعل است؟ معیار و ملاک ورود آسیب چیست؟ پاسخ به هر یک از این سؤالات می‌تواند تا حد بسیاری نقاط قوت و ضعف این رویکرد را مشخص سازد.

منظور از آسیب‌ها را می‌توان تمامی آسیب‌ها اعم از مادی و معنوی دانست که در ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ایران مصوب ۱۳۹۲ بیان شده است. بر این اساس، ضررهای مادی، ضررهای هستند که به صورت مستقیم و محسوس بر شخص یا اموال او وارد می‌شوند، به عنوان مثال، آتش‌زدن خانه یک شخص ضرر و آسیب مادی است. آسیب معنوی نیز بر طبق تبصره ۱ ماده فوق‌الذکر، صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی، خانوادگی یا اجتماعی است. به عنوان مثال، توهین به یک شخص با الفاظ رکیک را می‌توان از مصادیق آسیب معنوی بیان کرد.

در خصوص بالقوه یا بالفعل بودن این آسیب‌ها، ظاهراً قول مبتنی بر اعم بودن آسیب از بالفعل و بالقوه قوی‌تر است (۱۰)، هرچند در پاسخ به دو سؤال نخست، اختلاف نظر چندانی وجود ندارد؛ با این حال، بحث اصلی در این خصوص، ارائه ملاک و معیاری برای محاسبه میزان آسیب وارده است. علت این امر را باید در ویژگی خاص فضای سایبر جستجو کرد که فاقد هر گونه ویژگی طبیعی شناخته شده است (۱۱). بدین معنا که فضای سایبر برخلاف محیط فیزیکی، فضایی نامحدود و ناملموس است که هر روزه بر دامنه و وسعت آن افزوده می‌شود و نیز بسیاری از جنبه‌های ناپیدای آن، به سرعت در حال نمایان شدن است، به همین دلیل است که در بسیاری از موارد، مسأله‌ای که در یک زمان چندان مورد توجه قرار نمی‌گیرد در زمانی دیگر و از طریق شبکه‌های مجازی به سرعت انتشار یافته و توجه کاربران را به خود جلب می‌کند. نمونه این مورد را می‌توان ویدیوها و تصاویری دانست که

جلوگیری از بیماری‌های آمیزشی و بیماری‌های واگیردار» مصوب ۱۳۲۰، ارائه‌دهندگان خدمات درمانی (نظیر مراکز درمانی و پزشکان) را موظف کرده است که در موارد وجود بیماری‌های خاص، مورد را به مقامات ذیصلاح گزارش نمایند. همین مسأله نشانگر ذی‌نفع بودن جامعه در اطلاعات پزشکی مربوط به شخص است.

بنابراین و با پذیرش حق مالکیت مشترک بر اطلاعات مربوط به اشخاص، دیگر نمی‌توان با قطعیت در خصوص حق شخص برای انتشار یا عدم انتشار اطلاعات مرتبط با او صحبت کرد، حتی با نگاهی سختگیرانه (که البته چالش‌برانگیز نیز است) می‌توان این‌گونه بیان کرد که در هر مورد که هم جامعه و هم شخص در اطلاعات مربوط به شخص ذی‌نفع هستند (مثلاً در مواردی که قانونگذار این حق را به جامعه داده است) این حق جامعه است که در اولویت قرار می‌گیرد، زیرا اگر این‌گونه نبود، دلیلی نداشت قانونگذار حقی برای جامعه در حقوق اشخاص را وضع نماید.

رویکرد هستی‌شناسانه

بر اساس رویکرد هستی‌شناسانه (Ontological)، ماهیت یک شخص، متشکل از مجموعه‌ای از عوامل، از جمله اطلاعات مرتبط با اوست. از این رو نقض حریم خصوصی اطلاعاتی شخص و افشای این اطلاعات [و نیز عدم حذف این اطلاعات با وجود درخواست شخص]، شکلی از تجاوز نسبت به حریم هویت شخصی او به شمار می‌آید (۱۲). این رویکرد به عنوان رویکرد غالب در کشورهایی که حمایت از اطلاعات خصوصی اشخاص را بر مبنای کرامت انسانی (Human Dignity) توجیه می‌کنند، مورد توجه واقع شده است (۱۰). توجه به کرامت انسانی در کنار حق فرد نسبت به شکوفایی و رشد شخصیت انسانی (Self-Development)، دو اصلی هستند که اصلی تحت عنوان خودمختاری اطلاعاتی (Informational Self-Determination) از آن‌ها ریشه گرفته است (۱۶). این مفهوم بیانگر حق اشخاص در خصوص تعیین این موضوع است که کدام یک از اطلاعات آن‌ها، چه وقت، چگونه و به چه میزان به دیگران مخابره شود یا در دسترس آن‌ها قرار گیرد (۱۷).

آن، این‌گونه استدلال کرده‌اند که اولاً این ادعا که اشخاص نسبت به اطلاعات مربوط به خود دارای حق مالکیت هستند را نمی‌توان به سادگی پذیرفت، چراکه در بسیاری موارد همان‌گونه که قانونگذار بنا بر ملاحظات و مصالحی حق مالکیت اشخاص نسبت به اموالشان را به رسمیت نمی‌شناسد یا آن را سلب می‌کند، در خصوص اطلاعات مربوط به اشخاص هم قانونگذار در بسیاری موارد (از جمله تشهیر محکومان، انتشار تصاویر متهمان به جرایم در مواردی خاص و...) حق اشخاص نسبت به اطلاعات مرتبط با خود را نپذیرفته است، به علاوه حتی اگر بپذیریم که اشخاص نسبت به اطلاعاتشان - همانند اموالشان - حق مالکیت دارند، باز هم این نکته مطرح می‌شود که در بسیاری موارد اشخاص بنا بر اختیار خود، حق مالکیتشان را به دیگران واگذار می‌نمایند. از این رو مالک جدید، در خصوص انتشار یا عدم انتشار اطلاعاتی که از مالک اولی گرفته است، دارای اختیار است. بنابراین مالک نخست به سبب واگذاری حق خود، اساساً حقی را بر اطلاعات خود ندارد (۷).

هرچند می‌توان نظر اخیر - مبنی بر واگذاری حق مالکیت شخص به دیگری - را تا اندازه‌ای مورد پذیرش قرار داد، با این حال نباید از این نکته غفلت کرد که این نظر در جایی می‌تواند مورد پذیرش مطلق قرار گیرد که یک شخص خاص را تنها ذی‌نفع در انتشار یا عدم انتشار اطلاعات مربوط به او بدانیم. توضیح این‌که امروزه در کنار حق اشخاص بر اطلاعات خود، می‌توان از حق سازمان‌ها و نهادهای مختلف نسبت به اطلاعات مربوط به اشخاص نیز سخن گفت، به عنوان مثال، در خصوص اطلاعات مربوط به بیماران، نقض محرمانگی این اطلاعات - و انتشار آن‌ها - علاوه بر نقض حریم خصوصی این افراد (۱۳) می‌تواند منجر به تبعیض شغلی و بیمه‌ای (۱۴) و نیز مشکلات عدیده حقوقی، اقتصادی و اجتماعی شود (۱۵). به عنوان نمونه می‌توان به بی‌اعتمادی عامه جامعه به خدمات درمانی و بیمارستانی به عنوان یکی از مهم‌ترین تبعات افشای اطلاعات مرتبط با شخص بیمار اشاره کرد. از این رو باید قائل بر این شد که در بسیاری موارد نه تنها اشخاص، که برخی نهادها نیز در اطلاعات مربوط به اشخاص دارای نفع هستند. شاید به همین دلیل است که قانونگذار ایران در «قانون طرز

نتیجه‌گیری

با توجه به نوظهور بودن حق بر فراموش شدن و چالش‌های اخلاقی فراروی آن، اخلاق زیستی از جمله رویکردهایی است که در پرتو موازین آن می‌توان حق بر فراموش شدن را توجیه کرد. در این نوشتار سه رویکرد اساسی مبتنی بر اخلاق زیستی که برای توجیه حق بر فراموش شدن مورد استناد قرار گرفته‌اند، مورد بحث و بررسی قرار گرفت که بر این اساس موارد زیر را می‌توان به عنوان نتایج حاصل از این بحث مورد توجه قرار داد:

نقطه قوت رویکرد نتیجه‌گرا را می‌توان جنبه عینی و کارکردی آن دانست که باعث شده بتوان نتایج ملموسی را برای اعمال یا عدم اعمال حق بر فراموش شدن در نظر گرفت؛ با این حال این رویکرد دارای این ضعف اساسی نیز هست که معیار ضرر را مشخص نکرده است که این مسأله در عمل باعث تفاوت رویکردها بر حسب نوع فرهنگ و هنجارهای فرهنگی، منطقه‌ای و مذهبی می‌شود.

در رویکرد مبتنی بر نگرش مالکانه نسبت به اطلاعات، اطلاعات مربوط به شخص به مثابه دارایی او در نظر گرفته می‌شود. این رویکرد نیز از این منظر که برای اطلاعات فی‌النفسه و فارغ از نتایج و تبعات انتشار آن ارزش قائل شده، ارزشمند است و نیز از این نظر که اموال را به عنوان دارایی اشخاص مورد توجه قرار داده رویکردی عینی - در مقابل ذهنی - است، با این حال، نگرش مالکانه به اطلاعات این ابهام را در پی دارد که اگر شخص به خواست و اراده خود حق مالکیتش را واگذار کند - و اطلاعاتش را منتشر کند - آنگاه دیگر نمی‌توان از مالکیت شخص سخن گفت.

رویکرد هستی‌شناسانه به عنوان رویکردی کرامت‌مدار، با در نظر گرفتن انسان به عنوان یک کل، اطلاعات مرتبط با هر شخص را به منزله جزئی از ماهیت وجودی او در نظر گرفته و از این رو انتشار این اطلاعات را به عنوان تعدی نسبت به ماهیت وجودی شخص دانسته است، هرچند شاید ذهنی بودن این رویکرد را بتوان نقطه ضعف آن دانست، ولی با در نظر گرفتن توجه این رویکرد به کرامت انسان، توجه به ابعاد جسمی و روحی او، توجه به رشد و شکوفایی شخصیت انسانی و نیز

توجه به اصل خودمختاری اطلاعاتی - به عنوان یکی از منابع رویکرد هستی‌شناسانه این مهم را به ذهن متبادر می‌کند که رویکرد هستی‌شناسانه، از جهاتی اعم از رویکرد مالکانه است. به عبارت دیگر با توجه به این که خودمختاری اطلاعاتی، زمان، چگونگی و نحوه مخابره اطلاعات اشخاص برای دیگران را به عنوان حق صاحب اطلاعات در نظر گرفته است، از شناسایی این حق، حق بر مالکیت و تسلط شخص نسبت به اطلاعات مرتبط با او به دست می‌آید.

نکته دیگر در خصوص رویکرد هستی‌شناسانه این که، این رویکرد تا حد بسیاری منطبق بر رویکرد هستی‌شناسانه دینی است. توضیح این که از منظر رویکرد هستی‌شناسی دینی، هستی از سه بُعد خدا، جهان طبیعت و انسان تشکیل شده است (۱۸). در رویکرد دینی برای تبیین هر پدیده‌ای باید علاوه بر انسان و طبیعت - که مرکز توجه در رویکردهای ماتریالیستی هستند (۱۸) - باید به خدا به عنوان رأس هرم رویکرد هستی‌شناسانه دینی نیز توجه کرد. بر این اساس در خصوص حق بر فراموش شدن بر مبنای رویکرد هستی‌شناسانه می‌توان این گونه بیان کرد که برخلاف رویکردهای نتیجه‌گرا و مبتنی بر مالکیت که تنها متمرکز بر نتیجه حاصله و نیز رابطه مالکانه شخص با اطلاعات بودند، رویکرد هستی‌شناسانه در تبیین حق بر فراموش شدن، مسائل غیر مادی، آموزه‌های مذهبی، لزوم رعایت مبانی دینی و در حقیقت نقش خداوند را در نظر می‌گیرد و رابطه شخص با اطلاعات مرتبط با او را بر اساس سه عامل، خدا، جهان و خود شخص تبیین می‌کند. بنابراین اگر بخواهیم در هر مورد حق بر فراموش شدن را بر اساس رویکرد هستی‌شناسانه تبیین کنیم، باید این حق را از منظر آموزه‌های دینی نیز تبیین کرد (۱۹)، البته نباید از این نکته غافل شد که ذکر این موضوع در اینجا الزاماً به معنای این نیست که از آموزه‌های دینی برای تبیین این حق از منظر اخلاقی باید استفاده کرد، زیرا آموزه‌های دینی و اخلاقی را نمی‌توان الزاماً بر هم منطبق دانست.

شناسایی حق خودمختاری اطلاعاتی برای فرد - که ویژگی‌های مثبت رویکرد مالکانه نیز به شمار می‌آید - به نظر می‌رسد رویکرد هستی‌شناسانه را بتوان کامل‌ترین و جامع‌ترین رویکردی دانست که در پرتو آن می‌توان حق بر فراموش شدن را توجیه کرد.

با توجه به مبانی مطرح شده و در نظر گرفتن این موضوع که در حقوق ایران، به موجب اصل چهارم قانون اساسی، تمامی قوانین باید منطبق با موازین شرعی باشند و نیز با توجه به اهتمام شرع مقدس اسلام به کرامت انسان، به نظر می‌رسد رویکرد هستی‌شناسانه را می‌توان به عنوان مبنای فلسفی پذیرش حق بر فراموش شدن در حقوق ایران مورد توجه قرار داد.

References

1. Creese S. In search of oblivion? How the 'Right to be forgotten' could undermine web-based corpora. *Procedia-Social and Behavioral Sciences* 2015; 198: 95-102.
2. Werro F. The Right to Inform V. The Right to be forgotten: A Transatlantic Clash. *Georgetown University Research Paper* 2009; 2: 285.
3. Murata K, Yohki O. The Right to forget/ be forgotten. 2011. Available at: https://www.researchgate.net/publication/260021672_The_Right_to_ForgetBe_Forgotten.
4. Lagone, L. The Right to Be Forgotten: A Comparative Analysis. 2012. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2229361> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2229361>.
5. Korenhof P. Forgetting Bits and Pieces: An Exploration of the Right to be forgotten in Online Memory Process. *Tilburg Institute for Law and Technology Working Paper Series* 2013; 4: 6.
6. Mitrou L, Maria K. EU's Data Protection Reform and the Right to be forgotten. 5th International Conference of Information Law and Ethics; 2012. p.8.
7. Isom D. Google Search and the "Right to Be Forgotten", a thesis submitted in partial satisfaction of the requirements for the degree Master of Library and Information Science. Los Angeles: University of California; 2015. p.2.
8. Flaherty DH. Protecting Privacy in Surveillance Societies: The Federal Republic of Germany, Sweden, France, Canada, and the United States. Chapel Hill: University of North Carolina Press; 1989.
9. Najafiabranabadi AH, Hashembeyki H. Lexicon of Criminology. 3rd ed. Tehran: Ganjedanesh publication; 2015. p.182. [Persian]
10. Viola de Azevedo Cunha M, Itagiba G. Between privacy, freedom of information and freedom of expression: Is there a right to be forgotten in Brazil? *Computer Law & Security Review* 2016; 4(32): 1-8.
11. Rosenne S. The Perplexities of Modern International Law. Nijhoff: General Course of Public International Law; 2003. p.349.
12. Floridi L. The Ethics of Information. Oxford: Oxford University Press; 2013.
13. Hajavi A, Khoshkam M, Hatami M. A Comparative Study on regarding Rate of the Privacy Principles in legal Issues by WHO Manual at Teaching Hospitals of Iran, Tehran and Shahid Beheshti Medical Sciences Universities. *Health Administration* 2008; 11(33): 7-16. [Persian]
14. Cushman R, Froomkin AM, Cava A, Abril P, Goodman KW. Ethical, legal and social issues for personal health records and applications. *Journal of Biomedical Informatics* 2010; 43(5): 51-55.
15. Sadoughi F, Khoshgam M, Behnam S. A comparative investigation of the access levels and confidentiality of medical documents in Iran and selected countries. *Journal of Health Administration* 2007; 10(28): 49-56. [Persian]
16. Eslami R, Feizi F. The Right to Be Forgotten and the Challenges Ahead. *The Judiciary Law Journal* 2006; 94(80): 13-47. [Persian]
17. Westin A. Privacy and Freedom. New York: Bodley Head; 1967. p.7.
18. Noruzi RA, Kashani M. Allameh Tabatabaee's View on Ontology and its educational results. *Hekmat va Falsafeh* 2010; 6(2): 119-138. [Persian]
19. Abbasi M, Shamsi Gooshki E. Ethical Considerations in Human Genetics Research. *Med Ethics J* 2010; 4(11): 11-37. [Persian]